گسترده

اگر چیزی گسترده باشد ، وسیع است.

رودخانه بسیار طولانی و گسترده است.

بوته

بوته گیاهی است که شاخه های نازک زیادی دارد. از درخت کوچکتر است.

من و پدرم بوته های کوچکی در اطراف خانه کاشتیم.

توانا

اگر کسی یا چیزی توانایی انجام کاری را داشته باشد ، می تواند آن را انجام دهد.

ورزشکار المپیکی قادر به تحمل وزن زیاد است.

تقلب کردن

تقلب غیر صادق بودن است تا بتوانید برنده شوید یا خوب عمل کنید.

آنها با به اشتراک گذاشتن پاسخ در آزمون تقلب کردند.

تمرکز کردن

تمرکز روی کسی یا چیزی به معنای توجه کامل شما است.

من نمی توانستم روی تکالیف خود تمرکز کنم زیرا اتاق بسیار پر سر و صدا بود.

نتیجه گرفتن

نتیجه گیری این است که با دیدن مدارک و شواهد به یک نتیجه منطقی برسید.

من خرده هایی روی صورت سگم دیدم ، بنابراین نتیجه گرفتم که او کولوچه ی من را خورده.

مطمئن بودن

اعتماد به نفس به این معنی است که فرد باور داشته باشد آنها می توانند کاری انجام دهند بدون اینکه شکست بخورند.

او اطمینان داشت که به دلیل آموزش می تواند از کوه بالا برود.

قابل توجه

اگر چیزی قابل توجه باشد ، از نظر اندازه ، مقدار یا وسعت زیاد است.

آنها مبلغ قابل توجهی برای آن ماشین پرداخت کردند.

انتقال کردن

انتقال ، برقراری ارتباط یا معلوم کردن ایده ها است.

آن تصویر از یک کودک گریان احساس غم و اندوه را منتقل می کند.

قطعی

اگر چیزی مشخص باشد ، حتمی است یا مطمئناً صحت دارد.

بین تلاش و موفقیت ارتباط مشخصی وجود دارد.

لذت بسیار

لذت احساس بسیار خوشحال بودن از چیزی است.

او پس از ارتقا شغلی در محل کار ، چنین احساس خوشحالی کرد.

مقصد

مقصد مکانی است که کسی یا چیزی به آنجا می رود.

مقصد این هواپیما مونیخ آلمان است.

دیکته کردن

دیکته کردن چیزی به معنای بلند خواندن آن است تا بتوان آن را نوشت.

او سخنرانی خود را دیکته کرد تا منشی اش بتواند آن را بنویسد.

لبه

لبه چیزی، بخشی از آن است که از مرکز فاصله دارد.

او به لبه صخره دوید.

مسیر

مسیر راهی است از مکانی به مکان دیگر که مردم بتوانند در آن قدم بزنند.

ما راهی را در میان جنگل دنبال کردیم.

متوسل شدن

متوسل شدن به چیزی وابستگی به آن برای حل مسئله است.

امیدوارم که آنها برای خاتمه دادن به بحث به خشونت متوسل نشوند.

سایه

سایه به منطقه تاریکی گفته می شود که وقتی چیزی جلوی نور را می گیرد ایجاد می شود.

سایه این مرد از او بلندتر بود.

موفق شدن

موفقیت این است که کاری را که برنامه ریزی کرده اید یا سعی کرده اید انجام دهید ، به پایان برسانید.

او تا زمانی که موفق شود به کار بر روی ربات ادامه خواهد داد.

گمان کردن

گمان كردن به چیزی اعتقاد به درست بودن آن است.

من گمان می کنم که آن بچه ها پول را دزدیده اند.

دره

یک دره یک منطقه ی کم از خشکی ما بین دو کوه یا تپه است.

از بالای کوه به زیر دره نگاه کردیم.

خرگوش ریکی و لاک پشت ترا در لبه رودخانه به هم رسیدند. "هیچ کس قادر به شکست دادن من در یک مسابقه نیست!" ریکی گفت او اعتماد به نفس داشت - لبخند او این را می رساند.

ترا گفت: "من می توانم تو را شکست دهم ."

ریکی با لذت خندید.

ترا گفت ، "ما فردا مسابقه خواهیم داد. مقصد تپه است. "

ریکی موافقت کرد. ترا برای پیروزی در مسابقه متمرکز شد. او سریعتر از ریکی نبود. او برای موفقیت به یک راه مشخص نیاز داشت. او در مورد مسابقه به خانواده اش گفت: "من نتیجه گرفتم که باید به چیز بدی متوسل شوم. من تقلب خواهم کرد. " او دستورالعمل های خود را به آنها دیکته کرد.

در این مسابقه ، همه آنها پرهای سفید پوشیدند. آنها کاملاً یکسان به نظر می رسیدند! سپس ، اعضای خانواده وی در سایه های مسیر پنهان شدند.

مسابقه آغاز شد. ترا خیلی زود عقب افتاد. با این حال ، برادر ترا پشت بوته ای در دره زیر پنهان شد. وقتی ریکی نزدیک شد ، برادر ترا شروع به دویدن کرد. او دقیقاً شبیه ترا بود! ریکی در طول مسیر هرچه سریعتر دوید. اما ، به نظر او ، به نظر می رسید که تراهمیشه جلوتر است. ریکی مقدار قابل توجهی انرژی استفاده کرده بود.

او به اوج رسید ، اما خواهر ترا قبلا آنجا بود. ریکی گفت: "خوب ، شما برنده شدید".

بعدا ، ترا لبخند گسترده ای بر لب داشت. ریکی هرگز شک نکرد. او فریب یک خانواده لاک پشت آهسته را خورده بود.